

تأثیر گسترش گفتمان سلفی بوکوحرام بر ساختار امنیتی غرب آفریقا

محمود علی پورگرگی^۱، حدیث قائد رحمتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۱

چکیده

مهم‌ترین گروه سلفی - جهادی که در غرب آفریقا تأثیر گذاشته، بوکوحرام است. این گروه، به دنبال شورش بزرگ در سال ۲۰۰۹ به شهرت رسید. ایدئولوژی بوکوحرام، سلفی - جهادی است و معتقدند باید اسلام را از تغییرات بیرونی که بر آن وارد شده پاک کرد. این گفتمان در غرب آفریقا در صدد است تا هویت سلفی را ایجاد کند که در واکنش به گفتمان‌های دیگر با تأکید بر نشانه‌ها تفاوت‌ها را بپوشاند. هر یک از این نشانه‌ها در مفصل‌بندی گفتمان بوکوحرام و نیز ساختار امنیت در غرب آفریقا تأثیرگذارند. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ و نظریه گفتمان لاکلا و موف به‌عنوان چارچوب نظری به کار گرفته شده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی گفتمان به دنبال این پرسش است که گسترش گفتمان سلفی بوکوحرام چه تأثیری بر ساختار امنیتی غرب آفریقا داشته است؟ ایده و فرضیه محوری پژوهش این است که گفتمان بوکوحرام در غرب آفریقا با طرح دال مرکزی احیای دولت اسلامی و وقته‌های تکفیر، ضدیت، خصومت و ضدیت با عقل به دنبال زنجیره هم‌ارزی است تا گفتمان سلفی را گسترش دهد. اما این هویت و گفتمان به دلیل افراط منجر به تنش در ساختار امنیتی غرب آفریقا شده است.

واژه‌های کلیدی: بوکوحرام، سلفی‌گری، تکفیر، سلفی - جهادی، خشونت

^۱ . استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، گروه علوم سیاسی، ایران، بروجرد (نویسنده مسئول)

alipour_mg558@yahoo.com

^۲ . کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی، ایران، بروجرد

مقدمه

سلف در اصطلاح، نامی است که مشروعیت خود را در تاریخ سلف صالح می‌جوید (الدمیجی، ۱۴۳۷: ۱۷). این جریان در ابتدا به‌عنوان یک نظریه تاریخی ظهور یافت (رمضان البوطی، ۱۳۷۳: ۲۲۷). اما به تدریج که خلافت اسلامی رو به ضعف نهاد، به دلیل انحطاط در جهان اسلام و حضور کشورهای غربی در سرزمین‌های اسلامی (حائری، ۱۳۶۷: ۱۲۳)، بار دیگر در قرن ۱۳ هجری (محمودیان، ۱۳۹۰: ۲۴). بازگشت به دوران سلف با تفاوت‌هایی توسط متفکران اهل سنت مطرح شد. در این مرحله، نظریه سلف و بازگشت به دوران گذشته از یک نظریه تاریخی فراتر رفت؛ و به یک گرایش سیاسی- اعتقادی تبدیل شد که در قالب گروه، سازمان، جنبش و جمعیت با اهداف، شیوه‌ها و برنامه‌های متنوع و متفاوت ظهور یافت. این جریان‌ها که مهم‌ترین آن در غرب آفریقا با نام بوکوحرام ظاهر شد، تنها راه برون‌رفت از وضعیت کنونی را بازگشت به دوران سلف صالح و احیای مجدد آن دوران دانستند (علی بخشی، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۸). مقاله حاضر با روش تحلیلی گفتمان به دنبال این پرسش است که گسترش گفتمان سلفی بوکوحرام چه تأثیری بر ساختار امنیتی غرب آفریقا داشته است؟

گفتمان از آنجاکه ارتباط گزاره‌ها و چگونگی هم‌نشینی آن‌ها در کنار یکدیگر در یک ساختار زبانی توضیح می‌دهد و آن گزاره‌ها و نشانه‌های زبانی هم‌پیوند را صورت‌بندی می‌کند (Laclau & Mouffe, 1985: 105)، ظرفیت تحلیل جریان بوکوحرام را دارد. بدین‌سان، ایده و فرضیه محوری پژوهش این است که گفتمان بوکوحرام بر دال مرکزی احیای دولت اسلامی و وقته‌های تکفیر، ضدیت، خصومت و ضدیت با عقل به دنبال زنجیره هم‌ارزی است تا هویت سلفی را گسترش دهد. اما این هویت به دلیل افراط منجر به تنش در ساختار امنیتی غرب آفریقا شده است. جریان سلفی در طول تاریخ به صورت‌های متفاوتی ظاهر شده است؛ که دو شکل آن توانسته گسترش چشمگیری پیدا کند:

۱- سلفی- تکفیری: این گروه، مخالفان خود را کافر می‌دانند؛ و بر اساس مبنای فکری آنان، اگر مسلمان مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر می‌شود. به این معنی که میان ایمان و عمل، تلازم وجود دارد (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۱: ۹۴). مهم‌ترین نوع سلفی تکفیری، وهابیت است که فرقی میان شیعه و اهل سنت قائل نیست و همه را کافر می‌شمارد (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۵۸).

۲- سلفی- جهادی: مهم‌ترین گروه سلفی جهادی که در غرب آفریقا تأثیر گذاشته، بوکوحرام است. این گروه در اندیشمندان مصری خصوصاً سید قطب ریشه دارد. سید قطب، جهان امروز را جامعه جاهلی معرفی کرد. او که متأثر از اندیشمندان پاکستانی همچون مودودی بود، نه تنها کشورهای غیر اسلامی، بلکه کشورهای اسلامی را به دلیل اجرا نکردن قوانین اسلامی جامعه جاهلی نامید که مسلمان در این شرایط، وظیفه دارد برای برپایی دین با کفار و نیز باحاکمان دست‌نشانده کشورهای اسلامی جهاد کند (سید قطب، ۱۹۷۳: ۱۴۹-۱۵۰). به خاطر چنین تفکری، بصّام تیبی^۱ سید قطب و مودودی را به‌عنوان دو پدر جنبش بنیادگرایی اسلامی مدرن معرفی می‌کند (Tibi, 1990: 97).

^۱ . Bassam Tibi

۱- چارچوب نظری: گفتمان لاکلا و موف

از منظر لاکلا و موف، امور اجتماعی به مثابه ساخت‌های گفتمانی قابل فهم‌اند؛ و فعالیت‌ها و پدیده‌ها زمانی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمان قرار گیرد. گفتمان، مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که به صورت شبکه و در کنار هم و در پیوند با یکدیگر، مجموعه‌ای معنادار را می‌آفریند (Laclau, and Mouffe, 2002:139). لاکلا و موف در این مجموعه معنادار بر مفاهیمی تأکید دارند که ما را در بررسی پژوهش حاضر کمک می‌کند. در اینجا سعی شده است که مفاهیم عمده و یاری‌رساننده در فهم کلی گفتمان لاکلا و موف، طرح و از ذکر سایر مفاهیم جانبی اجتناب شود:

۱- عناصر^۱، دال شناوری^۲ است که در قالب گفتمان قرار نگرفته و معنای آن‌ها تثبیت نشده است. هر دال قبل از ورود به گفتمان عنصر محسوب می‌شود.

۲- وقته^۳ عناصر زمانی که وارد گفتمان می‌شود، مفصل‌بندی می‌شود و هویت و معنای موقت می‌یابد، در این صورت این عناصر تبدیل به وقته می‌شود.

۳- انسداد و توقف^۴: عناصر دارای معانی زیادی است ولی وقتی تبدیل به وقته شد، یک معنا موقتاً تثبیت می‌شود. در این حالت نوعی انسداد در معنای عناصر حاصل می‌شود. این انسداد موقتی است. لاکلا و موف برای نشان دادن موقتی بودن معانی نشانه‌ها در درون یک گفتمان از واژه وقته استفاده می‌کنند.

۴- مفصل‌بندی^۵: عناصر که جدا از هم بی‌مفهوم هستند، وقتی درون گفتمان، در کنار هم قرار می‌گیرند، معنا و هویت می‌یابند، به این عمل مفصل‌بندی گویند (Laclau, and Mouffe, 2001:105).

۵- دال مرکزی^۶: دال‌ها و نشانه‌های گفتمانی در اطراف یک دال مرکزی ساماندهی می‌شوند. در واقع دال مرکزی، نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند و معنای خود را از رابطه با آن کسب می‌کنند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۹۲:۵۷). ولی دال شناور به حالتی دلالت می‌کند که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا شناور و معلق است.

۶- زنجیره هم‌ارزی^۷: در گفتمان، زنجیره هم‌ارزی دال‌ها را مفصل‌بندی می‌کند. این دال‌ها به خودی خود بی‌معنایند تا اینکه از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر دال‌هایی که آن‌ها را از معنا پُر می‌کنند، مفصل‌بندی شوند. زنجیره هم‌ارزی، به دلیل تبدیل کردن عناصر به وقته، تفاوت‌ها^۸ و معنای متفاوت عناصر را می‌پوشاند. در نظریه گفتمان، هویت‌ها گفتمانی‌اند؛ بدین معنا که از طریق زنجیره هم‌ارزی که در آن نشانه‌های مختلف در تقابل با زنجیره‌هایی دیگر با هم مرتبط شده‌اند، ایجاد می‌شود (Laclau, and Mouffe, 2001:127-134).

1. elements
2. floating signifiers
3. Moment
4. closure
5. articulation
6. Nodal point
7. chain of equivalence
8. difference

۷- خصومت^۱ و غیر^۲: شرط وجود گفتمان و هویت دال، وجود غیر و خصومت است. هر گفتمانی در خصومت یا ضدیت با گفتمان دیگر شکل می‌گیرد. اهمیت مفهوم خصومت یا ضدیت در آن است که هر چیز در ارتباط با غیر هویت می‌یابد، چرا که اشیاء و پدیده‌ها دارای ذات و هویت ثابت نیستند؛ تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند، هویت می‌یابند (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۹). منازعه میان گفتمان‌ها همواره وجود خواهد داشت و با تضعیف یک گفتمان، گفتمانی دیگر به قدرت می‌رسد.

۲- تاریخچه شکل‌گیری بوکوحرام

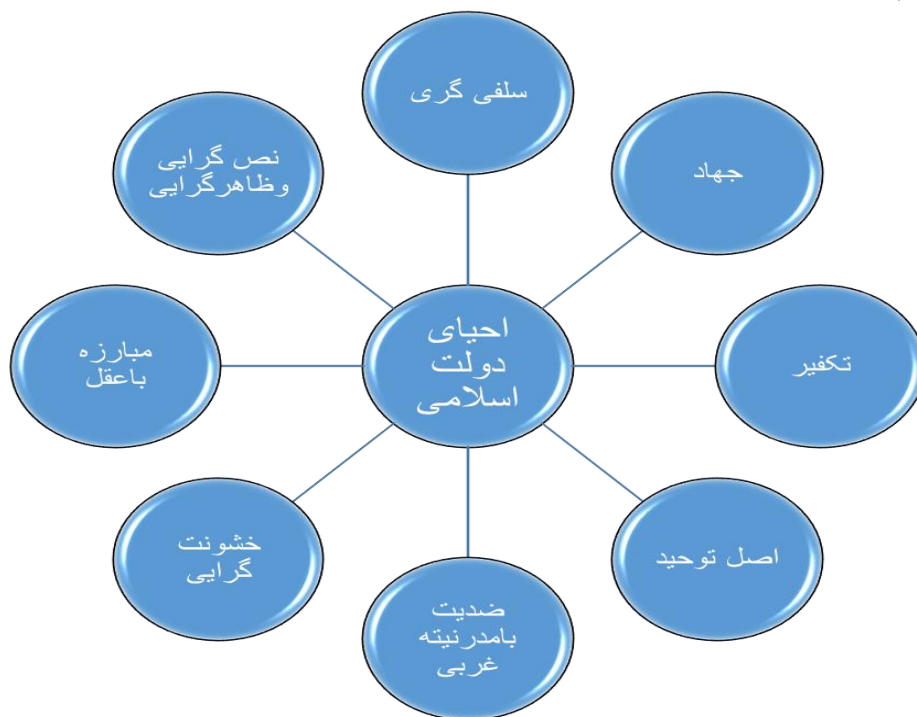
بوکوحرام نام رسمی سازمانی به نام جماعه اهل السنه للدعوه و الجهاد است که به دنبال شورش بزرگ در سال ۲۰۰۹ به شهرت رسید (Okpaga, 2012: 82). اعضای گروه بیشتر خود را با همین نام رسمی می‌شناسند (Onuoha, 2012: 2). این گروه ایدئولوژی دارند که در نامشان هم مشخص شده است. کلمه بوکو به الفبای لاتین گفته می‌شود که در قرن ۱۹ همراه با استعمارگران فرانسوی و انگلیسی وارد آفریقا شد؛ و برای نوشتن زبان هوسایی به کار می‌رفت و اکنون نیز نگارش هوسایی مبنای رسانه‌ها و کتاب‌هاست. از این رو بوکو در زبان هوسایی به معنای book است؛ و پسوند عربی حرام، هم به این معناست که آموزش به سبک غربی حرام است (Shuriye & Huud, 2013: 106).

شکل‌گیری این گروه به سال ۱۹۹۵ برمی‌گردد؛ زمانی که ابوبکر لوان^۳ فرقه هجرت را در دانشگاه برونو^۴ تأسیس کرد؛ و آن را گروهی غیر خشونت‌طلب معرفی نمود که در پی دستیابی به اهداف اجتماعی است؛ اما از سال ۲۰۰۲ با روی کار آمدن محمد یوسف^۵، گروه خشونت بیشتری پیدا کرد؛ و از آن زمان تاکنون با نام‌هایی همچون یوسفیه، مهاجرون، طالبان نیجریه، بوکوحرام، و مردم متعهد به تعالیم پیامبر^(ص) و جهاد، به فعالیت پرداخته است (حسینی نسب، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۹). با ریاست محمد یوسف که دانش‌آموخته رشته الهیات از دانشگاه شهر مدینه است، بوکوحرام شکلی دیگر به خود گرفت. وی روند رادیکالیزه شدن بوکوحرام را در نیجریه سرعت بخشید. الگوی کار او طالبان افغانستان بود (Alain, 2010: 8). این درست وقتی بود که از اضمحلال طالبان یک‌سال می‌گذشت. او در سال ۲۰۰۹ در جریان جنگ داخلی بازداشت شد.

۳- مفصل‌بندی گفتمان بوکوحرام

1. antagonism
2. other
3. Lavan
4. Borno University
5. Mohammed Yusuf

گفتمان سلفی بوکوحرام بر دال مرکزی احیای دولت اسلامی و وقته‌های جهاد، تقسیم‌بندی دارالحراب و دارالاسلام، تکفیر، نص‌گرایی و ظاهرگرایی، مبارزه با عقل‌گرایی، ضدیت با مدرنیته غربی و خشونت‌گرایی مبتنی است. هر یک از این نشانه‌ها به صورت یک شبکه در مفصل‌بندی گفتمان بوکوحرام و نیز ساختار امنیت در غرب آفریقا تأثیرگذارند که در گفتارهای زیر به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.



مفصل‌بندی دال‌های گفتمانی بوکوحرام (منبع نگارندگان)

۳-۱- احیای دولت اسلامی در نیجریه به مثابه دال مرکزی

دال مرکزی^۱، جزو اصلی گفتمان است که در گفتمان رقیب، طرد شده و جای آن خالی است. بوکوحرام احیای دولت اسلامی را دال مرکزی گفتمان خود معرفی می‌کند؛ و با تأثیرپذیری از سیدقطب، وضعیت حاکم بر جهان اسلام را خفت‌بار همراه با تحقیر از جانب قدرت‌های غیراسلامی می‌بیند؛ سید قطب نظام حاکم بر جهان را نظام جاهلیت معرفی می‌نماید و بیان می‌کند: ما امروزه در جاهلیتی هستیم همانند جاهلیت صدر اسلام، بلکه تاریک‌تر از آن و هر آنچه در اطراف ماست، جاهلیت است. تصورات مردم، عقاید، عادات و سنت‌های آنان، مظاهر فرهنگ، فنون و آداب و شرایع و قوانین آنان حتی بسیاری آنچه ما آن را فرهنگ، منابع، فلسفه و تفکر اسلامی می‌نامیم همه ساخته و پرداخته این جاهلیت است (سیدقطب، ۱۹۷۳: ۹۱-۹۲). بوکوحرام یکی از مهم‌ترین علل عصر جاهلی را فقدان حکومت اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌های غیراسلامی به‌جای آن می‌داند؛ و معتقد است جامعه و دولت نیجریه شیفته غرب شده است؛ اساساً اصول

1. nodal point

مشترک جریان‌های سلفی و نئوسلفی را می‌توان بدین صورت برشمرد: جهان اسلام در یک حالت بی‌نظمی و اغتشاش که در اثر انحطاط سیاسی و اخلاقی روی داده است به سر می‌برد که این امر ناشی از فراموش کردن ارزش‌های اصیل اسلامی است؛ این انحطاط منجر به تهاجم غرب به سرزمین‌های اسلامی شد که پیامد آن رواج سکولاریسم مبتنی بر ماتریالیسم و ناسیونالیسم هست؛ راه برون‌رفت از این بحران، بازگشت به قرآن و سنت پیامبر است (قوام و بهرامی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱).

بنابراین دال مرکزی گفتمان بوکوحرام، احیای دولت اسلامی مبتنی بر سلف است؛ البته بوکوحرام به دنبال ایجاد خلافت اسلامی نیست بلکه به دنبال اسلامی کردن ساختار سیاسی، اجتماعی این کشور هست. اسلام مورد نظر این گفتمان مبتنی است بر تفسیرهای به شدت سخت‌گیرانه از دین، اجرای دقیق شریعت، آموزش‌های اجباری آموزه‌های اسلامی و مذهبی و تعطیلی آموزه‌ای مدرن و غربی، حرام بودن استفاده از فناوری‌ها و مدرنیزاسیون، بازگشت به اصول سلف صالح (محرر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۱)، حرام بودن آموزش غیراسلامی، حرام بودن سیستم بانکداری غیراسلامی که بر بهره یا ربا استوار است (Chikwem, 2013: 158). گفتمان بوکوحرام مخالفان خود را یان بوکو^۱ می‌نامد؛ یعنی کسانی که فرزندان کتاب هستند ولی از خدا روی برگردانده و به ارزش‌های فاسد و منحرف غربی متمایل شده‌اند (Walker, 2012: 3).

بوکوحرام برای احیای دولت اسلامی از سوی منابع مالی بسیار متنوعی تأمین می‌شود؛ که شامل کمک‌های ثروتمندان شمال نیجریه، فرمانداران، سناتورها، انجمن‌های مسلمان اروپا، درآمدزایی از راه آدم‌ربایی، دزدی دریایی، قاچاق (دارو، انسان، جنگ‌افزار) و کمک‌های خارجی همچون عربستان و آمریکا در آفریقا و بیرون از آن همچنین دزدی از بانک‌ها و تهدید ثروتمندان نیجریه، می‌شوند (Sani, 2011: 161). عربستان در شمال نیجریه از رهبران سلفی-وهابی پشتیبانی می‌کند تا آنان وهابیت را در نیجریه و آفریقا گسترش دهند. از این رو عربستان در گسترش وهابیت در شمال نیجریه تأثیر بسیاری دارد؛ و جنبش‌های سلفی نیجریه از جمله بوکوحرام و محمد یوسف از پایه‌گذاران بوکوحرام، با عربستان روابط نزدیکی دارند (العالم ۱۳۹۷/۵/۸).

۳-۲- تکفیر

تکفیر، یکی از مهم‌ترین دال‌های گفتمان بوکوحرام محسوب می‌شود. گفتمان بوکوحرام با مفصل‌بندی، عناصر و دقایق گفتمانی خود برای تکفیر، با تأثیرپذیری از سیدقطب مدلول‌هایی ویژه به دست می‌دهد. امروزه کشتار مردم از سوی این گروه با این استدلال انجام می‌شود که آن‌ها در وضعیت جاهلی به سر می‌برند. سیدقطب می‌نویسد: «هر جامعه‌ای که اسلامی نباشد؛ جاهلی است» (سیدقطب، ۱۹۷۳: ۹۱-۹۲). به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین تغییرات سید قطب در مرزهای سیاسی اسلام این بود که او به جای مفاهیم سنتی چون دارالاسلام و دارالکفر، از مفاهیم جامعه اسلامی و جامعه جاهلی بهره می‌گیرد (نصر اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۳). از دیدگاه سلفی‌های جهادی تکفیر و جهاد بالاترین مرتبه عبودیت خداوند است. سلفی‌ها نه تنها ترور کافران محارب بلکه ترور حامیان و همکاران آن‌ها را جایز

¹ Ian Boko

می‌دانند (سادات، ۱۳۹۴: ۱۷۳). از جمله ویژگی‌های مهم سلفی‌های افراطی یافتن یک دشمن بزرگ برای بسیج گسترده‌تر مردم علیه آن است. این امر به دلیل وجود دشمنان متعدد مورد نظر سلفی‌ها، رشد آن‌ها را امکان‌پذیرتر ساخته است. و آن‌ها جهاد علیه شیعیان و غربی‌ها را تکلیف دنیای اهل تسنن قرار داده‌اند. آموزه تکفیر را می‌توان در اندیشه خوارج تبار شناسی کرد. خوارج بین کفر و ایمان حد وسطی قائل نبودند، مرتکب گناه را کافر می‌شمردند (بغدادی، ۱۹۷۷: ۹۷)

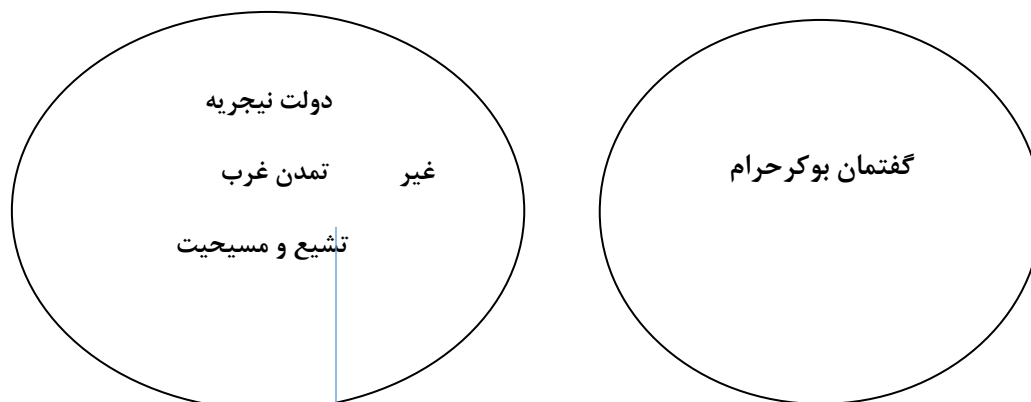
گروه بوکوحرام همانند خوارج، تکفیر را فصل‌الخطاب و مهم‌ترین رفتار عملی در مقابل سایر تفکرات قرار داده‌اند. بررسی اقدامات بوکوحرام در زمان ریاست محمد یوسف (۲۰۰۹) و پس از او نشان‌دهنده تأثیر رفتار سلفی‌ها در میان آن‌هاست. آن‌ها علیه مسلمانان دیگر در صورتی که تفکر سلفی را قبول نداشته باشند، با عنوان کافر و مرتد اعلام جنگ می‌دهند تا چه رسد به غیرمسلمان (شهابی، حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۸). لذا اقدامات آن‌ها از جمله: حمله به دانشگاه علوم کشاورزی، حمله به مدرسه نیجریه، ربایش دختران بی‌گناه، حمله به محل سازمان ملل، گروگان گرفتن غربی‌ها و حمله به کلیساها به همین منظور انجام شد. مقابله تکفیرمحورانه و زورگویانه با مدارس آموزش غربی در نیجریه و فقدان ارزیابی آموزه‌ها در محیط سالم علمی و پژوهشی، حاکی از همین تکفیر در رفتارهای رهبران این گروه است. دامنه این جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها فقط به دو طرف جهان غرب با گروه‌های مسلح اسلامی ختم نمی‌شود. اصل و اساس تفکر گروه‌های سلفی بر همان تفکر تکفیر استوار است که در صورت تشخیص کافر بودن شخص عقیده یا پدیده‌ای بلافاصله جنگیدن با او تا نابودی‌اش یک تکلیف می‌شود. اما دایره مفهوم کافر وسعت پیدا می‌کند به نحوی که پیروان سایر مذاهب اسلامی نیز ممکن است کافر تلقی شوند. ویدئوهایی از ابوبکر شیکائو^۱ در رسانه‌های نیجریه پخش شده است. در یکی از این ویدئوها، شکائو می‌گوید: «اگر با کافر روبه‌رو شویم، اگر کسانی را ببینیم که کافر شده‌اند، بر مبنای دستورات خداوند هیچ حرفی نداریم جز اینکه گردنشان را بزنیم، امید است برگزیدگان خداوند این را بشنوند این آموزه از سوی خداوند است» (Burchard, 2014: 2).

۳-۳- غیریت‌سازی و تولید دشمن به مثابه استراتژی بوکوحرام

تولید «دشمن» یا «غیر» برای تأسیس مرزهای سیاسی در گفتمان نقش حیاتی دارد. چرا که شرط شکل‌گیری و انسجام گفتمان، وجود غیر (other) است (Laclau & Mouffe, 1985: 27). و دال‌ها و گفتمان به دلیل ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن پیدا می‌کند، اهمیت می‌یابد. در استراتژی بوکوحرام، دولت، مدرنیته غربی، مسیحیان و شیعیان اصلی‌ترین «دگرها» و دفع «غیر» مهم‌ترین هدف محسوب می‌شود. این فرقه سلفی-جهادی به متحدان دولت مرکزی اعلام خشونت کرده و ادعا کرده است ما با کل آفریقا جنگ خواهیم کرد؛ چرا که همه آن‌ها بی‌ایمان شده‌اند. از این‌رو این گروه خود را از جانب خداوند مکلف دانسته که با دشمنان اسلام بجنگند. از دید بوکوحرام آفریقا با چند شکاف روبه‌رو است شکاف میان اسلام و مسیحیت آفریقایی و بومی‌شدن در برابر غربی‌بودن شکاف مالی و طبقاتی روبه‌رو است؛ و این شکاف را نتیجه مدرنیته غرب می‌داند که باید با آن مبارزه کرد. از این‌رو تشخیص «دیگری» در گفتمان سلفی

¹ . Abubakar Shekau

دارای اهمیت است؛ چرا که «دیگری» هدف حمله مستقیم قرار می‌گیرد. دولت نیجریه، تمدن غربی، شیعیان مهم‌ترین «دیگری‌های» گفتمان بوکوحرام هستند.



غیریت سازی در گفتمان بوکوحرام (منبع نگارندگان)

۴-۳- غیریت سازی در گفتمان بوکوحرام

۴-۳-۱- دولت نیجریه: بنابر گفتمان بوکوحرام دولت نیجریه، کافر، گناهکار و مملو از فسادهای اجتماعی است؛ گستره تفکر تکفیری در بوکوحرام به دولت کشیده شده است؛ تا جایی که این گروه به دولت نیجریه لقب فاسقون می‌دهد؛ و معتقد است بهترین راه برای مسلمانان این کشور دور شدن آن‌ها از این جامعه و انتقال به جایی است که در آنجا حکومت اسلامی برپا شده باشد (حسنی نسب، ۱۳۹۵: ۱۵). به عبارتی از نظر آن‌ها بهترین عمل هر مسلمان این است که یک جامعه ایدئال عاری از فساد سیاسی محرومیت اخلاقی ایجاد کند. عواقب ناشی از چنین تفکری برای ساختار جامعه نیجریه بسیار ناگوار بوده است. هزینه‌های سنگین جابه‌جایی مردم، کشتار و به آتش کشیدن بسیاری از روستاها، کلیساها، تصرف بسیاری از پادگان‌های نظامی، بر باد دادن اموال، ربودن دختران، شکستن ساختار خانواده، جلوگیری از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تمامی آن‌ها تصویری نامناسب برای آینده این کشور ترسیم کرده است. (Al Jazeera, 2012:3)

بوکوحرام اولین حمله انتحاری را در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۱ به نیروهای پلیس در مرکز فرماندهی ابوجا^۱ انجام داد؛ که شش کشته بر جای گذاشت (Marchai, 2012: 5). حمله مسلحانه به پلیس در روستای کاناما، استان یوبه، در سپتامبر ۲۰۰۴ از دیگر اقدامات این گروه است (Laboot, 2014: 84). این گروه در آوریل ۲۰۱۴ اقدام به ربودن ۲۷۶ دختر دانش‌آموز از منطقه شبوک در ایالت بورنو^۲ کرد. این دختران ۱۶ تا ۱۸ ساله از یک مدرسه شبانه‌روزی در شمال

^۱ . Abuja

^۲ . Borno state

شرقی نیجریه ربوده شدند. ابوبکر شیکائو رهبر این گروه اعلام کرد این دختران یا به‌عنوان برده معامله می‌شوند یا به‌زور به ازدواج مردان درمی‌آیند یا کشته خواهند شد (مشرق نیوز، ۱۳۹۳).

۳-۴-۲- ضدیت با تمدن غرب

علی‌رغم ایجاد بوکوحرام توسط آمریکا و دولت سابق این کشور (تحت عنوان پروژه‌ای با نام صهیونیسم پروری و شیعه ستیزی) و شواهد و اسنادی بسیاری از منابع مالی این گروهک سلفی توسط غرب، طی چند دهه اخیر کنترل آن‌ها خارج شده است و اقدامات خشونت‌آمیزی علیه غرب اجرا کرده است (BBC New, April, 2013: 26). آن‌ها مخالف عناصر غرب در کشورهای اسلامی هستند. از این رو هنگام برگزاری هر دوره از انتخابات در نیجریه علیه طرفداران غرب، دست به اقدامات خصمانه زده‌اند، که مهم‌ترین آن، انتخابات ۲۰۱۵ در نیجریه بود. در کنار رقابت گروه‌های انتخاباتی، عملیات خرابکارانه بوکوحرام وجود داشت که غرب آفریقا را به خشونت و ناامنی کشاند. رهبر بوکوحرام در یک ویدئوی دوازده دقیقه‌ای اعلام جنگ کرد و اظهار داشت جنگجویان وی روند انتخابات در نیجریه را که پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا به شمار می‌رود را مختل خواهند کرد؛ وی همچنین اعلام کرد حتی اگر بمیریم حتی اگر زنده نباشیم، الله به شما اجازه نخواهد داد این کار را کنید. زیرا به اعتقاد آن‌ها انتخابات پدیده‌ای غربی محسوب می‌شود (العالم، ۱۳۹۷/۵/۱۸). در ۲۶ اوت ۲۰۱۱ این گروه در مقر سازمان ملل متحد دست به حملات انتحاری زد که در این جریان ۲۵ کشته و ۱۱۰ زخمی به دنبال داشت. شیکائو در ویدئویی ادعا کرد سازمان ملل، محل گردهمایی نیروهای جهانی شیطان است. در سال ۲۰۱۳ شورای امنیت نیز اسم این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و این گروه به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی همچنان بر فعالیت‌های نظامی-تکفیری خود ادامه داده است (Marchai, 2012: 5). مدارس از هدف‌های محوری بوکوحرام است زیرا ایدئولوژی آن‌ها آموزش غربی را نمی‌پذیرد. در مارس ۲۰۱۲ نزدیک به ۱۲ مدرسه در میدوگوری^۱ شبانه به آتش کشیده شد و بدین‌سان کمابیش ۱۰ هزار دانش‌آموز از تحصیل محروم شدند (Walker, 2012: 3). علت خشونت بوکوحرام علیه غرب، به گفتمان سلفی بوکوحرام برمی‌گردد. در گفتمان اسلام سلفی مانند طالبان در افغانستان و پاکستان، آموزش غربی گناه شمرده می‌شود (عباس‌زاده‌فتح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۶). به‌عبارت‌دیگر ایدئولوژی بوکوحرام، سلفی - جهادی است و زوال و ضعف دین را سیستم آموزشی غربی می‌داند؛ و معتقدند باید اسلام را از تغییرات بیرونی که بر آن وارد شده پاک کرد؛ و برای بازگشت به سلف یعنی دوران پیامبر(ص) تلاش نمود؛ از منظر بوکوحرام، آموزش و پرورش غربی چیزی جز فقر و درد و رنج برای مردم نیاورده است؛ و به همین خاطر حرام است (Okpaga, 2012: 83). البته هرچند بوکوحرام با غرب مخالف است اما معتقدند مبارزه با دشمن بعید یعنی آمریکا و هم‌کیشانانش فرانسوی‌ها است. ابتدا باید دشمن قریب حاکم بر سرزمین اسلامی را ریشه‌کن کرد پس از آن مبارزه با دشمن بعید فرامی‌رسد. آن‌ها معتقدند تا مدافعان تمدن غرب را در داخل از بین نبریم، پرداختن به دشمن خارجی بی‌معناست.

۳-۴-۳- ضدیت با تشیع و مسیحیان

^۱ . Maiduguri

چهره افراطی که بوکوحرام از شیعه هراسی به نمایش گذاشته است، چهره‌ای خشونت‌گرا و خون‌ریز است. انجام انواع جنایات و نسل‌کشی‌ها مهم‌ترین موضوع اول اخبار آفریقا تبدیل شده است؛ و مفاهیم مقدسی همچون شهادت به مفاهیم وحشت‌آور در اذهان تبدیل کرده است. متیو گیدر^۱ کارشناس مسائل ژئوپلیتیک جهان عرب و اسلام در این زمینه می‌گوید: «سیاست‌های اشتباه دولت نیجریه در رویارویی با گروه تروریستی بوکوحرام، در قدرت‌یابی دوباره این گروه نقش بنیادی داشت» (شفقنا، ۲۰۱۲/۱/۳). به دلیل هم‌پیمان شدن بوکوحرام با داعش و اشتراکات ایدئولوژیک این گروه با سیاست‌های شیعه ستیز دولت و ارتش نیجریه، موج جدید و هدفمند شیعه ستیزی در این کشور و حتی مناطق دیگر آفریقا گسترده‌تر و خشونت‌آن بیشتر شده است. این امر از آنجا برای دولت، ارتش، و کشورهای صاحب نفوذ در نیجریه از حمله رژیم صیہونیستی و عربستان اهمیت دارد که از این‌پس شیعیان را در مقابل این گروه تروریستی و اقدامات آن تنها می‌گذارد؛ و بخشی از سیاست‌های شیعه ستیز در نیجریه را به این گروه تروریستی واگذار می‌کند. براین اساس می‌توان حمایت برخی کشورهای خاورمیانه و آفریقایی از دگردیسی تروریستی در آفریقا را واقعی و مهم ارزیابی کرد (مهر نیوز ۱۳۹۵/۷/۱۰). سلفی‌گری آفریقا از پروژه شیعه هراسی چند هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست به دنبال همگرایی اهل سنت با خود در حوزه ضد شیعی است؛ دوم این‌که به دنبال کنترل نفوذ اندیشه شیعی در کشورهای اسلامی هستند به‌ویژه آنکه در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی از رشد و گسترش اندیشه شیعی در کشورهای اسلامی گزارش شده است. سوم جریان‌های افراطی و تکفیری همواره اندیشه‌های شکاف‌زی هستند بدین معنا در دل شکاف‌های مذهبی-اجتماعی رشد می‌کنند. بوکوحرام نه تنها ضد شیعه است بلکه ضد مسیحیت نیز عمل می‌کند. شیکائو از منافقین اسلام، افراد بی‌ارزش تعبیر می‌کند و مسیحیان را کافران اسلام قلمداد کرده که در هر دهه مسلمانان را کشتند. از این‌رو بریدن سر آن‌ها را مباح و مهم‌ترین رسالت خود می‌دانند. ابتدا حملات بوکو حرام فقط شامل درگیری‌های فرقه‌ای بود که در آن با سلاح سرد علیه مسیحیان اقدام می‌کردند؛ اما از سال ۲۰۱۰ خود را مجهز به سلاح گرم کردند (Okpaga, 2012: 83).

۳-۵- ضدیت با عقل، تأکید بر ظاهرگرایی

گفتمان بوکوحرام با عقل‌گرایی قابل جمع نیست. این گفتمان اجازه پرسش و پاسخ نمی‌دهد و از سیر علوم اسلامی فاصله گرفته است؛ با چنین گفتمانی است که شیخ محمدیوسف^۲، بنیان‌گذار بوکوحرام، کروی بودن زمین را نفی می‌کند و اعتقاد دارد به حرمت استفاده از ابزارهای غربی و حتی کلاه ایمنی برای موتورسواران و مقابله با نظام آموزشی غرب و کینز خواندن دختران گروگان است (کردی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). مبنای فکری چنین تفکری آن است که گفتمان سلفی در روش‌شناسی، نقل‌گرا؛ در معرفت‌شناسی، حدیث‌گرا؛ و در معناشناسی ظاهرگراست. از این‌رو این گفتمان معنای باطنی آیات قرآن را رد می‌کند؛ و بر معنای ظاهری آن‌ها تأکید دارد و تفسیر عقلانی آیات را بدعت و شرک می‌داند (قربان‌زاده

1. Matthew Gider

2. Mohammed Yusuf

و دیگران، ۱۳۹۶، ۷-۸). رد نقش عقل، تمسک به سیره سلف صالح، رهیافت تقدیرگرا و اقتدارگرایی در عرصه سیاسی، ویژگی روش‌شناختی سیاسی اهل حدیث است؛ که ریشه جریان‌های سلفی به آن بازمی‌گردد (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

۳-۶- خصومت^۱ و خشونت‌گرایی

مفهوم خصومت، نقش اساسی در گفتمان دارد؛ چرا که هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض و خصومت با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. خصومت و ضدیت به رابطه یک پدیده با پدیده‌های دیگر اشاره دارد که نقش اساسی در هویت بخشی آن پدیده بازی می‌کند (Laclau & Mouffe, 1985: 28). در گفتمان سلفی، خصومت به معنای خشونت و حذف مخالف است. گفتمان سلفی اندیشه مخالف خود را نمی‌پذیرد و بر حق بودن خود، باطل و مهدورالدم بودن دیگران از طریق خشونت و ترور اصرار می‌ورزد. فتاوی در سایت «عبدالرحمن ناصر البراک^۲» مبنی بر کافر بودن شیعیان و بسیاری از اهل سنت، در همین راستاست.

آنچه در بوکوحرام در چند سال اخیر مشاهده شده است خشونت عریان از یک طرف و از طرف دیگر فیلم‌های رسانه‌ای به منظور ایجاد جنگ روانی در گسترش اهداف این گروهک تروریستی تأثیر بسزایی داشته است. آن‌ها معتقدند که استفاده از خشونت و ترور برای برکناری رهبرانی که بر اساس اسلام حقیقی حکومت نمی‌کنند، یک وظیفه اسلامی است (شهابی، حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۹). ابوبکر شیکائو در ویدئوهای خود، خطاب به مردم از شهروندان نیجریه می‌خواهد سلاح به دست گیرند و از اسلام دفاع کنند. او به پیروانش می‌گوید: فقط چاقوهایتان را بردارید به خانه‌ها هجوم ببرید و بکشید (Burchard, 2014: 2). با بررسی و واکاوی اقدامات بوکوحرام در نیجریه می‌توان خشونت را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی این گفتمان افراطی برشمرد. برخورد قهری با مؤلفه‌های جدید دنیای معاصر از طریق خشونت و رفتارهای مسلحانه از جمله سیاست‌های آن‌هاست. ترس و رعب حاکم بر والدین دانش‌آموزان و دانشجویان نیجریه‌ای ناشی از این سیاست رعب است و تهدید برای تعطیلی کل مدارس نیجریه از اهداف خشونت‌طلبانه آن‌هاست (شفقنا ۱۳۹۳/۰۶/۲۵). در کنار تفکر سلفی، مهم‌ترین دلیل اینکه چرا در غرب آفریقا، بوکوحرام چهره رادیکالیستی و خشونت-گرا به خود گرفته است را باید در تضاد قومی و مذهبی جست. این نوع تضاد در اغلب نواحی نیجریه از گذشته وجود داشته و در طول تاریخ معاصر نیجریه سبب درگیری‌هایی شده است. در اغلب مناطق این کشور گروه‌بندی‌هایی چون: مسلمانان، مسیحی، برده، آزاد متولد شده، مهاجر وجود دارد که به عناصری برای برهم زدن ثبات و امنیت تبدیل شده‌اند. البته دو دلیل دیگر نیز برای به خشونت کشیده شده گروه‌ها در نیجریه وجود دارد؛ یکی فضای ناسالم اقتصادی و خشونت اقتصادی و فقر و دیگری ناسالم بودن فضای سیاسی، خشونت را در نهادینه کرده است. فضای نامناسب سیاسی سبب شده است احزاب رقیب سیاسی با دسیسه‌چینی درصدد کنار زدن رقبای خود باشند و معمولاً رقابت‌های انتخاباتی با اسلحه پایان یابد یک نمونه از این فضای نامناسب در مورد بوکوحرام در سال ۲۰۰۰ بیان گردید که دولت موقت با استناد رقبای این گروه، به سرکوب زد و پایه افراط‌گرایی بوکوحرام را بنا نهاد. (شهریاری و دیگران ۱۳۹۲: ۱۹۴-۱۹۵).

^۱. Antagonism

^۲. Abdul-Rahman bin Nasir al-Barrak

۴- زنجیره هم‌ارزی گفتمان سلفی بوکوحرام

گفتمان سلفی در غرب آفریقا به دنبال زنجیره هم‌ارزی است تا هویت سلفی را ایجاد کند و در واکنش به گفتمان‌های دیگر تفاوت‌ها را بپوشاند. این زنجیره هم‌ارزی بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها در جذب نیروهای سلفی انجام می‌شود. بوکوحرام در درجه نخست نیروهای خود را از میان مهاجران که به دلیل وخامت اقتصادی در سرزمین دیگر ساکن می‌شوند، برمی‌گزیند؛ سپس کودکان خیابانی را که وضع مالی خوبی ندارند، جذب می‌کند. این کودکان هم کار می‌کنند و هم در مدارس مذهبی علوم دینی می‌آموزند (Al Jazeera, 2012: 5). از دیگر افرادی که بیشتر جذب این گروه می‌شوند، دانش‌آموزان و دانشجویانی هستند که دست از تحصیل کشیده‌اند و به علت پیدا نکردن کار پذیرای پیام‌های جذاب رهبران بوکوحرام شده‌اند (شکیبا، ۱۳۸۵: ۳۹). هنگامی که در کشورهای غرب آفریقا بسیاری از جوانان خود را شایسته دستیابی به ارزش‌ها و مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و ... می‌بیند اما با محرومیت نسبی روبه‌رو می‌گردد؛ همین امر در گرایش به گروه‌های سلفی و خشونت نقش بسزایی ایفا می‌نماید. کودکان خیابانی به دلیل اوضاع بد اقتصادی به راحتی جذب این گروه می‌شوند و شعار تغییر را سر می‌دهند. به تعبیر رابرت گرا^۱ محرومیت نسبی و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی مهم‌ترین عامل جذب و خشونت است (Ted Robert, 1996: 86) در بررسی ساختار تشکیلاتی نیز باید متغیرهای خارجی به‌ویژه حمایت‌های مالی القاعده در ایجاد موجی جدید خشونت را مورد توجه قرار داد. تأثیرپذیری بوکوحرام از القاعده به‌اندازه‌ای است که برخی آن را طالبانیسم دوم یاد می‌کنند (تامسون، ۱۳۸۶: ۱۴۹). بوکوحرام در ایجاد زنجیره هم‌ارزی، از اختلافات قومی و مذهبی هم استفاده می‌کند. در هیچ دوره و زمانی میان مسلمانان و مسیحیان سازگاری وجود نداشته است. بوکوحرام با سوءاستفاده از این امر، با پوشاندن تفاوت‌ها سعی در همراه کردن مسلمانان علیه مسیحیان دارد. مناقشه میان محافل پرنفوذ مسلمانان و مسیحی‌ها به پدیده‌ای بدل شده که کل نظام سیاسی نیجریه را به‌سوی سایش و فرسایش سوق داده است. همچنین اختلافات میان قبایل شمال و جنوب بوکوحرام را در ایجاد اغتشاش در غرب آفریقا و ایجاد زنجیره هم‌ارزی کمک کرده است.

۵- تأثیر جریان سلفی - تکفیری (بوکوحرام) بر ساختار امنیت آفریقا

سلفی‌گری در آفریقا با توجه به تحولات اخیر این منطقه علی‌الخصوص از اواخر سال ۲۰۱۰ شروع و با آغاز سال ۲۰۱۱، یکی پس از دیگری تقریباً تمام جوامع آفریقایی را درنوردید (کاوایانی راد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۵). با نگاهی به پیشینه جریان‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز در آفریقا می‌توان دریافت که آموزه‌های دوران کودکی، شرایط اقتصادی، سیاسی و اقتصادی در منطقه به‌گونه‌ای بوده است که زمینه را برای بروز رفتارهای خشونت‌آمیز فراهم کرده است. علاوه‌براین در آفریقا، تحول در نظام‌های سیاسی با گسترش فعالیت‌های تروریستی همراه شده است که تضاد سیاسی-فرهنگی بین جوامع آفریقایی را تشدید کرده و روابط بین ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. این امر از یک‌سو به فراهم بودن زمینه‌های تضاد فرهنگی و سیاسی جوامع آفریقایی و از سوی دیگر به نقش حضور قدرت‌های مداخله‌گر خارجی برمی

¹. Robert Gurr

گردد. فعالیت‌های تروریستی بوکوحرام در آفریقا ساختار امنیتی آفریقا را تحت تأثیر قرار داده است که در ذیل به آن می‌پردازیم:

۱-۵- تضعیف ژئوپلیتیک شیعه

یکی از عواملی که از نظر بوزان سبب پایداری ساختار امنیتی مناطق می‌شود، الگوی دوستی و دشمنی است. وی ماهیت تعاملات را بر اساس طیفی میان دوستی و دشمنی قرار می‌دهد (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۶). براین اساس آفریقا به‌عنوان منطقه‌ای تعریف می‌شود که دچار تعارض همیشگی است. شکل‌گیری بوکوحرام به‌عنوان داعش آفریقایی به دلیل انجام جنایات غیرانسانی، درگیری‌های مذهبی و قومی (اختلاف میان شیعه و سنی؛ نهادینه کردن وهابیت)، حضور استعمارگران غربی در آفریقا که همگی حاصل اهداف راهبردی بلندمدت این گروه تروریستی است، جنگ و تجاوز علیه امنیت قاره سیاه را گسترش دادند. جمهوری اسلامی ایران نیز جریان سلفی در آفریقا را تهدیدی جدی علیه شیعیان آفریقا قلمداد نمود و معتقد است که امنیت مسلمانان آفریقا با تهدید مواجه شده است (ساترلین، ۲۰۱۳: ۷). و در حل معضلات آفریقا خود را ذی‌حق می‌داند. بر این اساس یکی از پیامدهای بسیار مهم گروه‌های سلفی در امنیت آفریقا به‌ویژه بوکوحرام، ارائه تصویر نامناسبی از اسلام در سطح بین‌المللی است. اسرائیل و رسانه‌های صهیونیستی که تبحر ویژه‌ای در «برجسته‌سازی» دارند، تلاش می‌کنند تا مقاومت اسلامی را با تروریسم و افراط‌گرایی یکسان معرفی کنند (پورحسن، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۶). عملکرد این گروه‌ها و به‌خصوص باورهایشان در ارتباط با مذهب و مناسبات اجتماعی، قابل تأمل است، به‌طوری‌که «محمدیوسف» بنیان‌گذار بوکوحرام در صحبت‌هایی که با حیرت گسترده رسانه‌های جهانی مواجه شد، گفته بود: «در دین مجاز به برده‌داری هستیم و می‌توانیم با ربودن افراد، آن‌ها را به بردگی خود درآوریم» این گروه‌ها هرچه باشند، یک تأثیر خطرناک و غیرقابل کتمان بر باورهای نسل امروز مسلمان و افکار عمومی جهان می‌گذارند. آن‌ها چهره‌ای خشن، بدوی و تمدن‌گریز از دین اسلام به نمایش گذاشته و مسئولیتی سنگین بر عهده مراجع و علمای دینی گذارده‌اند تا با این تفکرات افراطی، با جدیتی بیش از گذشته، مقابله کنند. براین اساس بوکوحرام پیش‌ازین، همکاری با قدرت‌های بزرگ مخالف تشیع را به‌منظور محو هلال شیعی در آفریقا را در دستور کار خویش قرار دادند تا بتواند اسلام وهابی را با مساعدت عربستان در آفریقا نهادینه کند.

۲-۵- حضور ایالات متحده آمریکا در آفریقا به بهانه مبارزه با بوکوحرام

ورود قدرت‌های بزرگ نیز به بهانه مبارزه با جریان‌های سلفی ساختار امنیتی را تحت‌الشعاع قرار داده است. این ورود می‌تواند از طریق مداخله، پشتیبانی از نیروهای مخالف، ارسال اسلحه، حمایت آموزشی و کمک مالی و هرگونه اقدامی جهت اخلال و فروپاشی مجموعه امنیتی باشد (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳). در اینجا علاوه بر آمریکا، عربستان نیز به‌عنوان مهم‌ترین حامیان گروه سلفی بوکوحرام در آفریقا محسوب می‌شوند، این تأثیر را دارند. از این رو قدرت‌های خارجی از فرقه‌ها (بوکوحرام) برای نفوذ و تأثیر بر اراده سیاسی دیگر حکومت‌ها استفاده می‌کنند. فرقه‌ها زمینه حضور و دخالت عوامل خارجی را درون جوامع اسلامی فراهم می‌کنند (حاجیان، ۱۳۸۳: ۲۵۱). در واقع خلأ امنیتی که بوکوحرام در آفریقا به وجود آورد، نیاز به حضور قدرت‌های جهانی را در این منطقه توجیه می‌کند. هرچه عدم

امنیت بیشتر باشد، نیاز بیشتر و در نتیجه وابستگی بیشتر را در پی خواهد داشت (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱۹۸). در منطقه آفریقا، به‌ویژه نیجریه این خلأ امنیتی به دلیل حضور بوکوحرام بسیار مشهود است. در واقع این کشور جزو کشورهای فرومانده یا ناکام محسوب می‌شود که توان حفظ امنیت در درون مرزهای خود را ندارند. چنین شرایطی، فرصت‌هایی را برای بازیگران خارجی مداخله‌جو فراهم می‌سازند.

۵-۳- فرقه‌گرایی بوکوحرام و شکاف‌های قومی- مذهبی

فرقه‌گرایی فاقد ویژگی‌هایی است که آن را به نیروی سازنده یا ثبات‌ساز تبدیل کند. این پدیده بر مبنای روایت‌های جنگ‌گرایی قرار دارد که از تنفر و قربانی کردن متقابل تغذیه می‌کند. در حالی که برخی از نیروهای تندرو مانند بوکوحرام، که به دنبال استقرار دولت سنی بر تمام منطقه است، بیشتر از دیگر نیروها همبستگی فرقه‌های خود را برای اهداف عملی و حساب شده به کار گرفته‌اند (Qarawee-Al, 2013: p9). افراط‌گرایی نتیجه‌ای جز جواب افراطی نخواهد داشت از این رو ممکن است جنگ فرقه‌ای تمام آفریقا را به آشوب بکشاند. ساخت اجتماعی در نیجریه مشابه سایر کشورهای اسلامی – آفریقایی همگن نبوده و در آن می‌توان تضادها و تعارضات متعددی را مشخص کرد. شاید بتوان گفت نیجریه دارای متنوع‌ترین ترکیب گروه‌های قومی و مذهبی در جهان باشد. با توجه به نقش بسیار زیاد شکاف‌های قومی و مذهبی در نیجریه که محور اصلی سایر منازعات تأثیرگذار در امنیت این کشور است؛ این دو شکاف قابل بررسی است:

۵-۳-۱- شکاف قومی

ترکیب ناهمگون قومی در نیجریه آفریقا باعث به وجود آمدن دسته‌بندی و نظام طبقاتی در این کشور شده است که مشکلات عدیده‌ای را در ساختار امنیتی به وجود آورده است. در تاریخ معاصر این کشور همواره سه گروه قومی در عرصه سیاسی حضور داشته‌اند و قدرت اصلی بین این سه گروه هوسا – فولانی، یوروبا، ایبو تقسیم شده است. انحصار قدرت در بین این سه گروه قومی که هیچ‌کدام از آنان نمی‌توانند اکثریت جامعه نیجریه را پوشش دهند و محروم ساختن سایر گروه‌های قومی که برخی تعداد آن‌ها را تا ۲۵۰ گروه تخمین می‌زنند، زمینه‌ساز منازعات، پراکندگی و تفرق اجتماعی در جامعه نیجریه می‌شود؛ و دلیل اصلی تشدید شکاف قومی، بوکوحرام است که با برجسته نمودن اختلافات قبایل مسیحی مذهب با شیعیان، موجب شکل‌گیری جنگ‌های خونین قبیله‌ای شده است (Nigerin Research Network, 2013: 4)

۵-۳-۲- شکاف مذهبی

مهم‌تر از منازعات و شکاف‌های قومی در نیجریه، شکاف مذهبی در این کشور است. نیجریه به‌عنوان نظام سیاسی فدرال عملاً به دو قسمت شمال مسلمان و جنوب مسیحی تقسیم شده است. این کشور درگیر نزاع تاریخی مسیحیان و مسلمانان در جنوب و شمال این کشور است (شهریاری، جزایی، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۶). بوکوحرام با سوءاستفاده از شکاف‌های مذهبی اولین اعتراضات و حملات خود را به نهادهای آموزشی مسیحیان ابراز داشت؛ و با مرتد خواندن آن‌ها و انجام عملیات انتحاری علیه کلیساهای مسیحی و ربودن دختران محصل، سعی در همراه کردن سایر فرقه‌های دیگر نمود. اما

این عمل با توجه به درصد بالای مسیحی در این کشور نزاع‌های مذهبی با هزینه‌های بالای انسانی صورت می‌پذیرد که جز نشان دادن تصویری خشن و غیرانسانی ثمره دیگری ندارد. همچنین علاوه بر شکاف بین مسلمانان و مسیحیان، گروه مسلمان نیز یکپارچه نبوده و در درون آن فرقه‌ها و گروه‌های اسلامی وجود دارد که به متراکم شدن و در پاره‌ای موارد متخاصم شدن شکاف‌های مذهبی منجر می‌شود. این شکاف‌های مذهبی منجر به درگیری‌های مسلمانان بر سر مسائلی چون: کنترل مساجد، سخنرانی‌های عمومی بروز کرده که همگی حاصل تلاش‌های گروه سلفی بوکوحرام است.

نتیجه‌گیری

گفتمان بوکوحرام مهم‌ترین گروه سلفی جهادی در غرب آفریقا، به دنبال زنجیره هم‌ارزی است تا هویت سلفی را ایجاد نماید؛ این زنجیره هم‌ارزی با بهره‌گیری از بسترهای سیاسی، اجتماعی، و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها، سوژه‌های بیشتری را سوی خود جذب کرده است. گفتمان بوکوحرام با تأکید بر دال مرکزی احیای دولت اسلامی، بر وقته‌های جهاد، تقسیم‌بندی دارالحرب و دارالاسلام، تکفیر، نص‌گرایی و ظاهرگرایی، مبارزه با عقل‌گرایی، ضدیت با تشیع، مدرنیته غرب و خشونت‌گرایی مبتنی است. هر یک از این وقته‌ها با بازسازی اسلام از درون (بازگشت سلف صالح)، هویت سلفی را گسترش داده و بر ساختار امنیت در غرب آفریقا تأثیر گذاشته است. تولید «دشمن» یا «غیر» با تأکید بر نشانه‌های جهاد و تکفیر، برای تأسیس مرزهای سیاسی در گفتمان نقش حیاتی داشته است. دولت نیجریه، تمدن غربی، شیعیان مهم‌ترین «دیگری‌های» گفتمان بوکوحرام هستند. بوکوحرام با طرح مسائلی چون هلال شیعی (شیعه هراسی) و تأکید بر کافر بودن شیعیان نیجریه، تقویت تفکر ضد شیعی و طرد آموزش غربی، اقدامات تروریستی خود را شدت بخشید. این گفتمان از سوی منابع مالی بسیار متنوعی شامل کمک‌های ثروتمندان شمال نیجریه، درآمدزایی از راه آدم‌ربایی، دزدی دریایی، قاچاق (دارو، انسان، جنگ‌افزار) و کمک‌های خارجی تأمین می‌شود. در این راستا موضوعاتی مانند جهاد، فروش زنان، کشتار دسته‌جمعی و... نه تنها مجاز بوده است بلکه با انتشار ویدئوهایی اقدامات تروریستی خود را مشروع جلوه داده‌اند؛ براین اساس گفتمان بوکوحرام با طرح دال‌های خود و گروه‌بندی‌هایی چون کافر، مسلمان، مسیحی، برده، آزاد متولد شده، مهاجر، منجر به برهم‌زدن ثبات و امنیت شده‌اند؛ و غرب آفریقا را به خشونت و ناامنی کشاند. انجام انواع جنایات و نسل‌کشی‌ها مهم‌ترین موضوع اول اخبار آفریقا تبدیل شده است و مفاهیم مقدسی همچون شهادت به مفاهیم وحشت‌آور در اذهان تبدیل کرده است.

منابع

- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴.
- اسدی، ناصر و رضایی پناه، امیر (۱۳۹۲)، «مبانی تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل و هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌های آن در گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه»، پژوهش سیاسی جهان اسلام، سال ۳، شماره ۱.
- بغدادی، عبدالقاهر (۱۹۷۷)، الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه، بیروت: دارالآفاق الجدیده، الطبعة الثانية، مجلد ۱
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۱)، «آثار بحران سوریه بر فلسطین»، مجله مطالعات فلسطین، شماره ۱۸.
- تامسون، الکس (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت آفریقا، ترجمه علی پایگانی و احمدبخشی، تهران: مؤسسات تحقیقات بین‌المللی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷)، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تاثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۲۴.
- حسینی نسب، مرتضی (۱۳۹۵)، جریان شناسی سلفی تندرو نیجریه، فصلنامه علمی - تخصصی معارف اسلامی، شماره ۱۵.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۱)، روش شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید
- خبرگزاری العالم، (۲۰۱۶)، تهدید بوکوحرام به جلوگیری از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری قابل دسترسی در سایت <http://f.aban24.com>. ۱۴۸۸۸۸
- خبرگزاری العالم، نقش عربستان در گسترش وهابیت، (۱۳۹۷)، قابل دسترسی در سایت <http://fa.alalam.ir/news/3523421>.
- خبرگزاری جمهور نیوز، جنایات بوکوحرام، (۱۳۹۳)، قابل دسترسی در سایت www.Jomhornews.com.BokoHaramhttps://t.co/Up8793fCPXpic.twitter.com/npYr14X24A.
- خبرگزاری شفقنا، بوکوحرامیسم علیه دین، (۱۳۹۳)، قابل دسترسی در سایت <http://fa.shafaqna.com/> Persian /1605399
- خبرگزاری شفقنا، پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه، قابل دسترسی در سایت http://www.euronews.com/2012/01/03/naigerian_mists-issu

- خبرگزاری مشرق نیوز "سرانجام دختران ربوده شده " ۲۳ دی ۱۳۹۳ قابل دسترسی در سایت

<https://www.mashreghnews.ir/news/379664>

- خبرگزاری مهر نیوز، نقشه شوم واشنگتن برای شیعیان نیجریه/ارتش با بوکوحرام بیعت کرد؟، (۱۳۹۵)، قابل دسترسی در سایت

<https://www.mehrnews.com/news/3784139>

- الدمیجی، عبدالله بن عمر (۱۴۳۷ق) فهم السلف الصالح للنصوص الشرعیه، مکتبه الملک فهد الوطنیه اثناء النشر، ریاض، ۱۴۳۷ق. ونیز ر.ک: ابن عثیمین (۱۴۲۶ق)، شرح العقیده السفارینیة، چاپ اول: دار الوطن للنشر: ریاض.

- رمضان البوطی، محمد سعید (۱۳۷۳)، سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه: حسن صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سادات، احمد (۱۳۹۴)، گروه‌های سلفی در نوار غزه و مواضع آن نسبت به حکومت، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.

- سازمند، بهاره و جوکار، مهدی (۱۳۹۵)، «مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویش‌ها و الگوهای روابط حوزه خلیج فارس»، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال دوازدهم، شماره ۲.

- سیدقطب (۱۹۷۳)، معالم فی الطريق، مصر: دارالشروق.

- شکیب، محمدرضا (۱۳۸۵)، جایگاه و تاثیر مسیحیت در آفریقا، مطالعات آفریقا، شماره ۳۹.

- زشهایی، روح‌الله، حسین زاده (۱۳۸۴)، دلایل رشد و چگونگی شکل‌گیری جریان‌های تکفیری، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۲.

- شهریار، ابوالقاسم و جزایی، محدثه (۱۳۹۴)، بررسی شکاف‌های قومی- مذهبی در شکل‌گیری رادیکالیسم در نیجریه، فصلنامه سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۵.

- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۹۳)، بوکوحرام فرقه اسلام‌گرای افراطی نیجریه، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۹۶.

- علی‌بخشی، عبدالله (۱۳۹۴)، جریان‌شناسی گروه‌های سلفی جهادی- تکفیری، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات بین‌المللی.

- علی‌زاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱)، سلفی‌گری و وهابیت، جلد یکم، تبارشناسی: قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم معاونت فرهنگی و تبلیغی.

- فیرحی، داوود (۱۳۷۸)، روش‌شناسی دانش سیاسی از تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.

- قربان‌زاده، قربانعلی و دیگران (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی سیاسی سلفیت اصلاحی- تنویری و سلفیت جهادی- تکفیری، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ششم.

- قوام، عبدالعلی و بهرامی، سیامک (۱۳۹۲) «جامعه‌شناسی جریان‌های اسلامی: دیالکتیک عقل و خشونت»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۵، شماره ۴.

- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۵)، *عصر ارتباطات*، ترجمه محسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کاویانی‌راد، مراد و دیگران (۱۳۹۷)، تبیین قلمرو گستری سازمان‌های بنیادگرا در دولت‌های شکننده، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۸، شماره ۵۰.
- کردی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، «شیعیان نیجریه»، *فصلنامه پیام*، شماره ۱۱۶.
- محقر، احمد و همکاران (۱۳۹۲)، «تاملی جامعه‌شناختی بر بسترهای شکل‌گیری و رشد افراط‌گرایی اسلامی در نیجریه»، پژوهش‌های جهان اسلام، سال ۳، شماره ۴.
- محمدبن عبدالوهاب (۱۴۱۸هـ)، *کشف الشبهات*، دار القلم، بیروت.
- محمودیان، محمد (۱۳۹۰)، *بنیادهای فکری القاعده*، تهران: دانشگاه امام جعفر صادق (ع).
- نصر اصفهانی، محسن و دیگران (۱۳۹۶)، تحلیل نقش عوامل معنایی و هویتی در شکل‌گیری و گسترش جریان سلفی‌گری در کشورهای سوریه و عراق، *فصلنامه علوم سیاسی* - دوره ۲۰، پیاپی ۷۹، پاییز ۱۳۹۶.
- هوشی‌سادات، سیدمحمد (۱۳۹۳)، *داعش؛ میراث سیاسی غربی-عربی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- هیوود، اندرو (۱۳۷۹)، *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- یورگنس، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۲)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی .

- Al gazeera Sentnr for Studies (2012), "Reports: Book Haram: Nigeria s Extremist Islamic Seet: www.Studies.algazeera.net.29 February2012.
- Al-Qarawee, H., H. (2013). "Heightened Sectarianism in the Middle east: Causes, Dynamic and Consequences". *Analysis*. No. 205.
- Alain, V., (2010). "Nigerias homegrown monstor, Le Monde diplomatique: www. mondediplo. com/2012/04/04nigeria.
- BBC News, "Osama baby craze hits Nigeria" (3January 2002), [http:// www. news. BBC. co.uk/ 2/ hi/Africa/ 1741171. stm](http://www.news.BBC.co.uk/2/hi/Africa/1741171.stm).
- Burchard, S., (2014), "Boko Haram and the 2015 Nigerian Election", *Africa Watch*, Vol 4, April.at: [http:// www. tradingeconomics. com/ nigeria/ unemployment - rate](http://www.tradingeconomics.com/nigeria/unemployment-rate) (accessed April 4, 2014).
- Chikwem, F., C. (2013). Boko Haram and Security Threat in Nigeria: A New Twist of Political Game in Town, Department of Political Science. *University of Nigeria, Nsukka, Enugu State, Nigeria Dabiq*, 15 volumes.
- Gurr, T., R. (1998). "A Causal Model of Civil Strife: A Comparative Analysis.
- Jorgensen, M., & Lousie., P. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: SAGE Publications.
- Labott, E., (2014). "U.S. designates Boko Haram, its offshoot as terrorist organizations ", CNN. Availableat: [http:// www. cnn/ 2013/11/13/ world/ afroca/ bokoharam-us/ index. html](http://www.cnn.com/2013/11/13/world/afroca/bokoharam-us/index.html) (accessed April 4, 2014).

- Laclau, E & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- Laclau, E & Mouffe, C., (2001). *Hegemony and Socialist Strategy*, 2nd Edition, New York and London: Verso.
- Laclau, E & Mouffe, C., (2002). *Recasting marxism in James martin: Antonio Gramsci*, critical Assessment of leading Political philosophers, Voutledge
- Marchai, R., (2012). *Book Haram and Resilience of Militant Islam in Northern Nigeri*. NOREF Report. Method, London: SAGE Publications.
- NRN (2013). *Islamic Actors and Interfaith Relation in Northern Nigeria*, IRP-Abuja Projaect: <http://www.qeh.ox.ac.uk/nrn>.
- Okpaga, A., (2012). "Activities of Boko Haram and Insecurity Question in Nigeria", *Arabian Journal of Business and Management Review (OMAN Chapter)*, 1(9).
- Onuoha, F., (2012). "Boko Haram: Nigeria's Extremist Islamic Sect", Aljazeera Center for Studies, 29 February.
- Sani, S., (2011). "Boko Haram: History, Ideas and Revolt", News diary online, August 3.
- Scruton, R., (2007). *Dictionary of Political Thought*. Third edition. Hampshire. The Palgrave Macmillan.
- Shuriye, A., O. and Huud, S., (2013), "Global Challenge of Manual Suapicion: Boko Haram Uprising in Nigeria", *American International Journal of Contemporary Research*, 3(5), May.
- Tibi, B., (1990). The Challenge of Fundamentalism: Political Islam and the New World Order (Berkely: Uc Press). Using New Indices", *The American Political Science Review*, 62(4).
- Walkar, A., (2012). What is Boko Haram, Speciai Report308, United Stat Institute, Research June.